

# شترق

## روزنامه

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۳ • ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ • ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۰۴ • ۱۲ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷  
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸  
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • حساب: صمیم



در پی افزایش شدت آلودگی هوا و ورود توده‌های گرد و خاک به اهواز، فعالیت مدارس و ادارات به صورت غیرحضوری و دورکاری اعلام شد. طبق اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، هوا ۶ شهر خوزستان در وضعیت خطرناک و فئوده‌ای بوده است. عکس: علیرضا محمدی، ایسنا

instagram:sharghdaily1   twitter:sharghdaily   youtube:sharghdaily   Telegram:SharghDaily   aparat:tasvirshargh   www.sharghdaily.com

## من یکی «شهردار نیستم»

فرشید سامانپور

یکی، دو روز پیش به یک «فوریت شهری» برخورددم. جوی آبی در اطراف محل زندگی با برگ‌های درختان و قطعاتی از زباله انباشته شده بود و اگر بارانی می‌آمد، آب جوی سرازیر می‌شد به خیابان. چند روز پیش بود که گويا در شورا بابت جمع‌نگردن برگ‌ها از شهرداری گلایه شده بود، و مشکلاتی که به همراه آورده، خود من هم چند وقتی بود امید زیادی به سامانه فوریت‌های شهرداری نداشتم. تجربه‌های این یکی، دو سال من و دوروبری‌ها نشان می‌داد ظاهراً مأموران خدمات شهری بعضی مناطق همه‌جا این «فوریت‌ها» را جدی نمی‌گیرند: درختان کهن‌سال‌ی خشکیدند یا خشک‌تر شدند، لوله آبی هنوز نشت می‌کرد، موش‌هایی همچنان در محل تجمع زباله‌های دور از دسترس جولان می‌دادند. ظاهر امر رعایت می‌شد، پیامی به گردش می‌افتاد، تماسی گرفته می‌شد برای پیگیری و... ولی آخرش انکار نه کسی از کسی حساب می‌برد و نه کسی از کسی حساب می‌خواهد!

ولی هم‌زمان در همین اطراف، خیابان‌های متعددی یکی بعد از دیگری آسفالت مجدد می‌شد! از این‌رو هم به همان سامانه شکایت بردم. نفهمیدم مشکل آسفالت این خیابان‌ها چه بود که آنها را می‌تراشیدند و چه اضرائی بود که ظاهراً خیابان‌های خلوت اولویت باشند. همان آسفالت هم جایی درست و تمیز انجام نمی‌شد و جایی دیگر یک هفته از آسفالت نگذشته، برای کار دیگری حفاری شد. همین آسفالت‌های تراشیده هم تبدیل به معضل دیگری شده و جا و بیجا روی زمین‌های خاکی پهن شدند تا هوای تابستان را گرم‌تر کنند. هنوز هم نمی‌دانم چه کسی تقاضای این دوباره‌کاری‌ها را داشته است. همان‌طور که این را هم نمی‌دانیم که کدام شهروندی از جدول‌گذاری خیابان‌های اصلی شهر یا کف‌سازی پیاده‌راه‌های پرت و بی‌عابر شکایت داشته که شهرداری این‌قدر بر ساخت و نوسازی آنها اصرار دارد، البته با تولید حجم عظیمی از نخاله حاصل از تخریب.

سرتان را درد نیاورم. بیشتر از سر لچ بازی فکر کردم پیام‌دادن بالاخره بی‌فایده هم نیست. ولی این بار واقعا عجیب بود. پس از تماس، متصدی سامانه با چنان شفقی پاسخخم را داد که یاد فروشندگان برنده‌های گران‌قیمت افتادم! خیلی محترمانه و با تاتی به حرف‌هایم گوش داد. شماره‌ام را رقم به رقم بازخوانی کرد. فکر کردم دقت می‌کند که اشتباه نشود. ولی یک اتفاق جدید افتاد: کدی برآیم آمد و از من خواست که کد را بخوانم. یک لحظه دودل شدم. ولی اینجا سامانه شهرداری بود، کد هم از پیش‌شماره شهرداری آمده بود و نه مثلا بانک. کد را دادم، به تصور مثبت

۲ نفر

«الهام رحیمی‌فر»، وکیل تلو، به تسنیم گفته او هنوز یک پرونده مفتوح دارد. او البته از آزادی «امیرحسین محمدیان دلانی»، آدمین یوتیوب تلو و «میثم قربان‌زادگان» خبر داد و گفت این دو نفر: «هفته گذشته پس از طی مراحل قانونی و بسا برخورداری از ارفاقات قانونی و رأفت اسلامی آزاد شدند».

۳۰۰ درصد

حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم، اعلام کرد: «افزایش ۳۰۰درصدی شهریه دانشگاه آزاد شوک بزرگی به خانواده‌هایی بود که فرزندانشان رشته پزشکی قبول شدند. اما این پذیرفته‌شدگان از علاقه خود عقب‌ننشینی کرده‌اند. ما از این تصمیم دانشگاه آزاد اطلاعی نداشتم. دانشگاه آزاد آن‌قدر که باید ضابطه‌مند نیست».

کانون جهان ایرانی دانشگاه تهران با همکاری گروه تاریخ و باستان‌شناسی خانه اندیشمندان علوم انسانی و انتشارات کتاب شرق برگزار می‌کند:



معرفی و رونمایی از کتاب

## تاریخ دیدمانی

با حضور:

علیرضا قاسم خان

کارگردان و تهیه‌کننده

محمد غفوری

پژوهشگر و دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران

یاسر قزوینی حائری

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران

پرستو رحیمی

کوششگر

داریوش رحمانیان (مؤلف کتاب)

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران

دبیر نشست:

افسانه حنائی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران

@jahaneirani\_ut

iranianhht.ir

۰۲۱-۸۸۹۱۱۶۱۱

ihht.ir

iranianhht

زمان: دوشنبه ۳ دی ماه ۱۴۰۳ ساعت ۱۶ الی ۱۸

مکان: خیابان استاد نجات‌الهی (ویلا)، بوستان ورشو،

خانه اندیشمندان علوم انسانی، سالن خیام

پیشخوان

## هان کانگ در نگاه نو

دفاع پیشین او که تمامی کشورهای غربی پشتیبان آنان و عملکردشان هستند، چنین حکمی صادر شود. مقاله‌های دیگر: مقاله‌ای اقتصادی درباره ناترازی‌ها، مقاله‌ای درباره تک‌نگاری‌های غلامحسین ساعدی و مقاله‌ای با عنوان «آنچه سرطان با خود می‌برد» نوشته آن بویر، نویسنده و شاعر آمریکایی.

بخش بعدی این شماره نگاه نو به جایزه‌های نوبل ۲۰۲۴ اختصاص دارد. در این بخش، مقاله «جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۴ برای اقتصاددانان نهادگرا» به قلم نوید ریسی، ترجمه «گفت‌وگوی بنزائم ژانو با هان کانگ» و خطابه‌اش با ترجمه رضا رضایی را می‌خوانیم.

بخش ویژه این شماره نگاه نو به انجمن‌ها و حزب‌های سیاسی ایران در ۱۱۸ سال اخیر اختصاص دارد. با هفت مقاله از دوره مشروطیت تا امروز؛ مجموعه‌ای ارزنده برای پژوهشگران و استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان. این مقاله‌ها نوشته افرادی همچون دکتر امین آریسان‌راد، دکتر حجت فلاح توتکار، علی‌الله جانی، محمدحسین خسروناه، آرمان نهچیری، بهمن زبردست و داوود حشمتی است.

نگاه نو ۱۴۳ با دو داستان به ترجمه

نرگس انتخایی و دکتر آبتین گلکار ادامه می‌یابد. سپس گزارشی از اهدای جایزه مهتاب میرزایی (محمدمین دوره)، پاسداشت مجید دانش‌آراسته (داستان‌نویس پیش‌کسوت)، گزارش اهدای جایزه‌های پوکر و کنگور، دو نقد و نظر به قلم رامین سلطانی و امیرعطا جولاوی، کاریکاتوری از حسن کریم‌زاده و در پایان، بخش انتقاد کتاب و تازه‌های کتاب قرار دارد.

اتفاق خوانی

## ما قوی‌تریم یا هوش مصنوعی؟

ما هوشمندتر شود که تقریبا همه محققانی که می‌شناسم، معتقدند چنین خواهد شد، ما فقط درمورد اینکه کی این اتفاق می‌افتد، پنج سال یا ۳۰ سال دیگر، اتفاق نظر نداریم. آیا آنها زمام امور را در دست می‌گیرند و با توجه به اینکه خودمان خالقشان بوده‌ایم، کاری هست برای جلوگیری از این اتفاق بکنیم؟ ما در این زمینه با هم همکاری خواهیم کرد؛ زیرا هیچ کشوری نمی‌خواهد چنین اتفاقی بیفتد. او چین را مثال می‌زند: «حزب کمونیست چین نیز نمی‌خواهد قدرت را به هوش مصنوعی واگذار کند». هیتون گفت این همکاری بین‌المللی می‌تواند شبیه جنگ سرد باشد؛ جنگی که روسیه و ایالات متحده با وجود اینکه دشمن یکدیگر بودند، هدف مشترکی برای اجتناب از جنگ هسته‌ای داشتند.

به نظر می‌رسد با وجود قطعی‌های مکرر برق و تعطیلی‌ها، نگاه نو شماره ۱۴۳، چند روز زودتر از زمان تعیین‌شده و در ۲۶۰ صفحه منتشر شده است. نگاه نو ۳۴ سال است که به‌طور منظم منتشر می‌شود و این یکی از اهداف «علی میرزایی»، مدیر مسئول این فصلنامه فرهنگی، است. با انتشار این شماره می‌توان تأیید کرد در این مدت به این هدف و دستیابی به آن وفادار بوده است. این شماره نگاه نو با بخش مقاله‌ها آغاز می‌شود. عنوان نخستین مقاله، به قلم حسین فراستخواه، «جزیره‌های سه‌گانه خلیج فارس و وظیفه ما» است. جزیره‌های بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک که برخلاف آنچه اسناد و تاریخ می‌گوید، امارات متحده عربی که تا سال ۱۹۷۰ به عنوان یک کشور وجود خارجی نداشته، مدعی مالکیت آنهاست و کشورهای عربی، متأسفانه از این کشور نوپا پشتیبانی می‌کنند و تأسفقاتر اینکه روسیه، چین و اتحادیه اروپا نیز در مالکیت تاریخی ایران تردید وارد می‌آورند و دو کشور را به مذاکره فرامی‌خوانند و یکی هم نیست از اینها بپرسد که آیا اگر کشوری مدعی مالکیت بخشی از کشور خود شما شود، با او «مذاکره» می‌کنید؟

مقاله بعدی از دکتر سعید محمودی، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه استکهلم سوئد است درباره حکم بازداشتی که دیوان بین‌المللی کیفری در اول آذر ۱۴۰۳ علیه نتانیاو، یوآو کالات (وزیر دفاع پیشین اسرائیل) و محمد صیف، از فرماندهان حماس، صادر کرد. حکمی که علیه نتانیاو و یوآو کالات صادر شد، پشت مستبدان جهان را لرزاند. در خیال کسی نمی‌گنجید که علیه نتانیاو و وزیر



شاهنامه‌خوانی

در آوردگاه رستم و اسفندیار (۲)

گفت‌وگویی پیش از نبرد



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

پشتون نیک‌اندیش گفت: «ای برادر نبرده من تا کسی می‌خواهی از نبرد بگویی. آنگاه که دستت به تیر و کمان رسید، آن چنان اهریمن‌خو گشته‌ای که بی‌گمان اهریمن هم از تو در شکست است. گويا به دل دیو راه داده‌ای و پذیرای هیچ بندی نیستی، دریغا هرچه می‌گویم نادیده می‌انگاری و خیرگی می‌کنی. به هیچ روی نمی‌توانم ترس را از دل بزایم، اکنون دو نبرده مرد، دو مرد دلیر روبروی یکدیگر قرار گرفته‌اند، از کجا بدانم چه کسی بر آن دیگری پیروز خواهد شد».

اسفندیار بی‌سخن ماند و هیچ نگفت، دلش پردرد شد و باز هم سرش بر باد بود.

از دیگر سویی چون رستم به ایوان خوش بازگشت، غمی سنگین بر دل داشت و در اندیشه بود که با آن جوان نابخرد چه کند. می‌دانست فرجام این نبرد چه به پیروزی بینجامد و چه به شکست، تلخ خواهد بود. در این هنگام زواره، برادر رستم به نزد او آمد و برادر را پژمرده و افسرده دید. رستم به او گفت: «دیگر سودی ندارد سخن گفتن با او، برو و تیغ هندی را آماده گردان و جوشن‌مرا برای نبرد فردا بیاور. کمان و برگ‌ستوان و نیز کمند و گرز گران را در کنار آنها جای بده».

زواره هرآنچه رستم فرمان داده بود، بیاورد و چون رستم این جنگ‌افزارها را دید، آهی از زرفای سینه برکشید و به جوشن خود گفت: «چندی از کارزار آسوده بوده‌ای و نیز از جنگ این روزگار. اکنون کاری سخت پیش آمده است، پس سخت و سهمگین باش برای آوردگاهی که دو شیر در آن خواهند غرید و نمی‌دانم اسفندیار چه آورده‌ای خواهد داشت و در هنگامه کارزار چه بازی کند».

زال چون سخنان فرزند برومند خویش شنید، در اندیشه شد و گفت: چه می‌گویی که روانم از سخن تو پرآشوب و تیره شد، از روزی که بر زین نبرد بنشستی، هیچ‌گاه دل‌نگرانی به خود راه نداده بودی، همواره بی‌گانه با بیسم و هراس و از فرمان شاهان، سرفراز بوده‌ای. بیم آن دارم روزگار تو به سر رسیده و اختر روشن تو خاموشی گرفته باشد و این جوان بنیاد نیرمان را برکند و زن و کودک را نیز به خاک افکند. اگر به دست این جوان کشته شوی، زابلستان بر جای نخواهد ماند و همه بناها ویران شده و سرزمین ما مفاکی هولناک خواهد گردید و اگر تو بر او گزند رسانی، نام تو بلند نخواهد شد و همگان خواهند گفت او شاهزاده‌ای ایرانی را که در پناه او می‌زیست، از پای درآورده است. بهتر آن است هم‌اکنون زابلستان را بگذاری و بروی و به جایی روی که کس نام تو را در جهان نشنود.

بترسم که روزت سرآید همی گر اختر به خواب اندر آید همی به دست جوانی چو اسفندیار اگر تو شوی کشته در کارزار نماند به زاولستان آب و خاک بلندی بر و بوم گردد مفاک ور ایدونک او را رسید زین گزند نباشد تو را نیز نام بلند به بیغوله‌ای شو فرود از مهان که کس نشنود نامت اندر جهان

